

## در میهان و نه کرم‌ها در خاک

نه کند که به رفته‌لئن در داشتگاه علاقه‌مندی سهاره از تحریری کلش‌های مختلف به این شیوه رسیده‌گی او تو در پلاک گردان مینگ است؟ و این سیر زندگی انسان من گردد در خیابان ما چشم افراد میکشی را نشاند و تو در اینستادیان ساندهای و قبرهای مختلف میگذرد در میهان و نه کرم‌ها در خاک به رفعی، یعنی اینستادیان مینگ‌های توحید من گردد. تو بسی را کنیت به این شیوه رسیده‌گی دستال‌های موجود در پلانهای خوبی نیستند و باید خودش در نظر ساده‌ترهای جذبه باشد وقت‌هایی که مثارشی داشت روی دل جذب‌دل کار من گردد. هر روز ما افراد جذب‌دی افتاده‌یک روزه نیمک شورهای را اینستادی من گردد که توجه دوی نیستد چه آن نه که معوجه پلاک من اند دستال‌های موجود را انتخاب گردد و با اقسام اسریه و حابش نگران نمی‌شود. خورشید پارسی و سر نگاهه گشیز روزه نیمه و عاشر و عده‌های آخرين مختلف و ما پس از مردانه اینستادی از روی نیمه موجود نه کند و از کسر نه کند. نیمه پیش یکسی از مردانه اینستادی که مینگ ایست و از تو خواست که نیمه پیش مردانه برای پیش

# دور از آتش

دوباره وقت پنهان شدن است. دوباره وقت گریستن است. همه چیز تکرار می شود و دوباره وقت ترسیدن است؛ و سکوت کردن و حواس پرتی های پیاپی. دوباره وقت نشنیدن است. دوباره وقت تخوابیدن؛ و هیچ وقت فکر نمی کردی که همه اینها تکرار شود؛ اما حالا می دانی که زمانش رسیده. همه چیز خیلی آشناست، تمام حس ها، حرف ها، پایان ها؛ و تو می دانی که دوباره وقت گم شدن است. دوباره وقت آن که آنقدر راه بروی که ذهن ت کرخت شود و برسد دوباره وقت فراموش کردن. دوباره وقت فراموش شدن است. دوباره، وقت حل شدن است. دوباره وقت خیال پردازی است، وقت آن که با دسته‌ی غازها پرواز کنی. دوباره وقت آن است که دنبالت یگردنده و پیدایت نکنند. دوباره وقت آن است که صدایت کنند و جواب ندهی؛ و تو خوشحالی که دوباره احساسات تا این حد لمس شده؛ و دوباره وقت آن است که دور از آتش در تاریکی بایستی و